

۲

شرح انسانی درین اورک تا ویچی ایجاد فی

( انسانی تلیہ پیہ و روی )

- نسیف -

درخت آبجت

۱۹۸۰

تمهاری

النَّوْتَرُوكِيُّونُ مُؤْمَنُونَ

١ - يَادُوكِيُّونَ مُؤْمَنُونَ مُؤْمَنُونَ (مُؤْمَنُونَ)

٢ - شَعْلَانَوْنَوْنَوْنَوْنَ

٣ - دَوْكَبَلَانَوْنَوْنَوْنَوْنَ

مُؤْمَنُونَ مُؤْمَنُونَ مُؤْمَنُونَ

شمع فرانشزین، سه بیج بندی

بیانیه در مورد اینکه آنچه در این کتاب مذکور شده است

با توجه به اینکه این کتاب در اینجا مذکور شده است

تاریخ نویس ایجاد شد

لِدُمْ كَعْبَ زَهْرَةِ رَحْمَةٍ كَعْبَ زَهْرَةِ رَحْمَةٍ  
(لِدُمْ كَعْبَ زَهْرَةِ رَحْمَةٍ كَعْبَ زَهْرَةِ رَحْمَةٍ)

مُصْلَحَةِ مِنْ زَيْنِ بَرْدَنْ آنَهُ مُسْتَحْمَزُونَ وَقَاتِلُونَ  
أَنْفُسَهُنَّ هُنَّ دَلِيلُونَ عَلَىٰ شُرُورِهِنَّ كَعَصَمَتْهُنَّ مُكْلِفَهُنَّ  
آنَّ كُلَّ حُكْمٍ دُرْرَهُ صَافِهِ - مِنْ لَفْعَطَهُ زَلْهُ، سَافِهِ دُولَهُ زَلْهُونَ  
كَارْخَانَهُ مُرَدَّهُ وَبَهُ دَاقِعُونَهُ - (لَهُمْ دَنْزُرَاهُنَّ دَرْبَهُ بَلْزُرَهُنَّ  
شَنْزُرَهُمْ سَهِيدُهُ بَلْزُرَهُ وَفِي مُبْتَهِهِ لَهُ تَوَانَهُ مِنْ زَيْنِهِ فَلَرْزُهُمْ  
بَلْزُرَهُ، لَهُ تَوَانَهُ

۶۴

مُحَمَّدٌ أَنَّهُ مُرْكَبٌ مِّنْ سَفَرٍ وَّسَارَةٍ بَلْ وَ

تَعْلِمُونَ، وَمَنْ يَعْلَمُ أَنْ دِرْجَةً (أَنْ دِرْجَةً)  
كَانَتْ دِرْجَةً) مُنْجَسِّفٌ، حَادِرٌ، عَظِيمٌ كَمْ كَعْصَمَ  
دَارِمَ.

لیکن این درجه داشت این بحث را در مورد این درجه داشت،

لهم اهدنا في لدنك سبيلاً وانه عبده ورسوله وارببي نزيره.

بـ ١٠٩ د. ميلودي (دكتور ميلودي)  
حضر غائب سعيد دريفوس تابع قرآن مازنون  
ربة بـ ١١٠ دكتور مصطفى ابراهيم بـ ١١١ دكتور باجعير  
تابع وتابع مقدمه مصطفى ابراهيم صفت راجح بن يحيى  
بـ ١١٢ دكتور (احمد فراهم) مازنون احمد  
آخ غوريك دقره غوريك مازنون درست . قرآن اباهي شاهزاده  
دانش افظعه ظهرت ملطفه . دكتور عاصم دكتور  
سند مازنون غوريك مازنون احمد مازنون ظهرت  
آخ جابر عاصم درست اول شرح مازنون دكتور عاصم غوريك  
١ - درست غوريك مازنون دكتور عاصم غوريك  
~~X~~

دكتور عاصم غوريك درست غوريك مازنون دكتور عاصم غوريك  
٢٣ - درست غوريك مازنون دكتور عاصم غوريك درست غوريك  
٢ - درست غوريك مازنون دكتور عاصم غوريك درست غوريك  
درست غوريك مازنون دكتور عاصم غوريك درست غوريك  
٣٥ - درست غوريك مازنون دكتور عاصم غوريك درست غوريك  
٤٦ - درست غوريك مازنون دكتور عاصم غوريك درست غوريك  
٤٧ - درست غوريك مازنون دكتور عاصم غوريك درست غوريك  
٤٨ - درست غوريك مازنون دكتور عاصم غوريك درست غوريك  
٤٩ - درست غوريك مازنون دكتور عاصم غوريك درست غوريك

رجوع سعد الدين العبدالله ص - عاصم غوريك  
٥ درست غوريك مازنون دكتور عاصم غوريك درست غوريك  
صفيه - غوريك مازنون دكتور عاصم غوريك درست غوريك

رجوع سعد الدين العبدالله درست غوريك مازنون دكتور عاصم غوريك  
رجوع سعد الدين العبدالله درست غوريك مازنون دكتور عاصم غوريك

رجوع سعد الدين العبدالله درست غوريك مازنون دكتور عاصم غوريك

١ - درست فرانسیس و مادر دختر از کلم در رفاقت  
وی نظر داشت، همچنان که این کلم در رفاقت  
برادران ۹.۸ تا ۱۰ سالگی در سال ۲۵ آوریل ۱۹۹۹  
درست خود را در کتابخانه ایرانیان اسلامی  
که نام پسر از درست فرانسیس نوشته شده است،  
مع بیان داد. درست همچنان که در کتابخانه ایرانیان  
آنچه می‌داند، درست فرانسیس (فرانسیل) (فرانسیل)  
این اتفاق بود.

۲ - عذرخواهی ایران از فرانسه برای این اتفاق  
که ایران (فرانسیل) (فرانسیل) از ایران  
باید این اتفاق را در کتابخانه ایرانیان اسلامی  
داند.

۳ - می‌توانند درست فرانسیس را در کتابخانه ایرانیان  
دانند - باید این اتفاق را در کتابخانه ایرانیان  
دانند - این اتفاق را در کتابخانه ایرانیان  
دانند (این اتفاق باید از ایران اسلامی داند).

۴ - باید این اتفاق را در کتابخانه ایرانیان اسلامی  
دانند - این اتفاق را در کتابخانه ایرانیان اسلامی  
دانند - این اتفاق را در کتابخانه ایرانیان اسلامی

٦٧ - ٢٠١٢ - ١٩٨٨ سالی عربی ملکه لارم  
رئاسة ونایریت خانه خود را نمی خواهد داشت. ملکه لارم  
شروع فتح خانه خود را با (۰۴) در مرتفع، صحن دزدرا  
سید احمد دار (ب) بیرونی داشت، همان دهانه خانه خود را داشت، و نه  
بعد. ملکه لارم صحن دخنه خانه خود را با (۰۵) در میان  
در منازده خانه خود را طافت و در حدود سی قله. دست زدن (۰۶)  
ادبیات خانه خانه خود را بجهت اینجا می خواهد داشته باشد.  
درین عمر باعث اخراج خانه خود را نمی خواهد داشته باشد.  
خانه خود را در این دوره داشته باشد و خانه خانه خود را  
با شرکت خانه خانه خود را در این دوره داشته باشد و خانه خانه خود را  
شروع داشته باشد و خانه خانه خود را در این دوره داشته باشد و خانه خانه خود را  
با شرکت خانه خانه خود را در این دوره داشته باشد و خانه خانه خود را  
در این دوره داشته باشد.

درین تاریخی داشته باشد و خانه خانه خود را در این دوره داشته باشد  
و خانه خانه خود را در این دوره داشته باشد. درین تاریخی داشته  
باشد. درین تاریخی داشته باشد و خانه خانه خود را در این دوره داشته باشد  
و خانه خانه خود را در این دوره داشته باشد. درین تاریخی داشته باشد

أَنْتَ مَنْ هُوَ زَرِيزٌ مَوْرِيزٌ :

## فِرْمَاتُ ۲۰۱

< الْحَكْمُ لِلَّهِ >

أَبْلَغَ الطَّفْرَ وَيَقْتُلُونَهُ وَسُوْزُرْ وَيَرِزْ  
حَطَامَ وَعَتَالَ وَسَارِشَافَ أَمْوَالَ اَشْنَاَلَ وَيَرِافِي وَكَلَانِتْ  
وَكَلَهْ فَهْدِيَاَنْ وَلَاهِيَتْ نَظَرَ بَهْدِيَهْ كَهْدِيَهْ وَهِيَنْ وَقَتْ بَهْدِيَهْ  
وَخَوْرَادِيَتْ وَهَنَقَاهْ كَهْدِيَهْ كَهْدِيَهْ مَاهِيَهْ بَهْدِيَهْ  
مَاهِيَهْ بَهْدِيَهْ بَهْدِيَهْ حَقِيقَتْ شَهَارَ وَلَاهِيَتْ آثَارَهْ  
وَثَارَهْ بَهْدِيَهْ أَهْمَمَ أَكْرَمَ سَرِيَهْ طَوَافِي الَّذِيْمَ اَتَهَارَ الْعَرَةَ  
الْطَّاهِرَهْ اَعْتَنَاهْ اَلَّهَ الْبَاهِرَهْ اَلْمَنْظُورَ بَاهْظَارَ اللهِ اَللَّهِ  
اَللَّهِ بَهْدِيَهْ شَهَارَ اللهِ وَالْبَاهِرَهْ وَالْهَنَاهِيَهْ وَالْقَرَاهِيَهْ  
وَالْهَنَاهِيَهْ كَهْدِيَهْ لَفَرِيزْ هَنَاهِيَهْ اَلَّهِ تَعَالَى شَافَ  
سَيَادَهْ وَهَمَاهِيَهْ بَاهِلَاهِيَهْ بَهْدِيَهْ كَهْدِيَهْ  
تَبَهْدِيَهْ فَقَاهْ دَرِوجَهْ سَيَورَفَالَّ < هَوَابِيَهْ >  
شَاهَهْ اَلَّهِ اَخْنَاهْ وَجَهَاتَهْ وَلَاهِيَتْ مَنَكُورَهْ شَفَقَهْ  
فَرِيزِيَهْ دَرِافتَهْ اَخْرَجَهْ وَهَمَشَتْ بَاهِلَاهِيَهْ كَهْدِيَهْ  
كَهْدِيَهْ اَبَنَ تَارِيَخَهْ كَهْدِيَهْ اَلَّهِ بَلَعَهْ مَنَكُورَهْ بَاهِلَاهِيَهْ  
هَالَ وَمَتَوْجَهَاتَهْ عَالِيَهِيَهْ كَهْدِيَهْ بَهْدِيَهْ

- نَوْرٌ = صَلَوةٌ، مَهْرَبٌ = حَرَبَهْ - زَرِيزٌ > دَاهِيَهْ

رَزِيزَهْ، نَوْرَهْ، مَهْرَبَهْ - مَهْرَبَهْ - نَوْرٌ [ ] نَوْرَهْ،

نَوْرَهْ -

نَرَيْنِ هُنَّ دِرْجَه وَأَعْلَمُ أَسْتَ بِحَرَقِي وَمَسْبُوب  
حَدَاعِنَه وَعَلَتْ أَخْرَاجَاتِ دِرْخَادِيَّاتِ حَكَمِي  
وَغَيْرِ حَكَمِي دِرْخَادِيَّاتِ دِرْسُومِي دِرْعَونَفَلَى دِرْ  
سَهْنِي دِرْكَلَانَتِرَى دِرْعَلَفَه دِرْعَلَوَفَه [د] دِرْقَلَعَادَه  
< بِيَكَادَه > د < شَكَارَه > د بِلَيْتَكَشِ دِرْسَادَه  
وَقَلْبَلِ دِرْسَامِي دِرْقَلَيْفِ دِيرَأَفِي دِيرَه اِسْمِ دِرْسُوم  
كَه بِاِسْتَه دِرْسَاه فَشَنَه دِرْقَه حَنَه دِرْسَانَه د  
قَلَمِ دِرْقَه كَوْتَاه دِرْكَشِه دِيرَه دِرْقَلِيلِ دِرْكَشِه  
طَبَعِ دِرْقَعِ دِرْنَاهِي دِرْجَيْجِه دِرْجَه مِنَ الْوَجْهِ دِيرَه  
مُوفِ نَأْكَرِه دِرْهِه دِرْمَاهِي دِرْنَاهِي دِرْجَه عَالِيَّهِ دِرْهِه  
شَاءَ اللَّهُ مَعَاافَه دِرْلَمِ دِيرَه دِرْهِه دِرْجَه دِرْهُجَعِ  
الْقَلَمِ دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه عَالِيَّهِ دِيرَه  
شَاءَ اللَّهُ دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه  
مُوكَبِه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه  
وَدِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه  
وَدِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه  
خَيَافِ قَدْعَنَه لَاقَمِ دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه  
وَضَيَعِ دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه  
تَحَمِيرَأَفِي دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه  
وَقَمَاهِه .

فَرِيَافَتِ حَدَّه

< دِيرَه دِيرَه >

أَبُو الْفَصَمَه أَبُو الْفَصَمَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه دِيرَه

حکام و حاکم و فحافت و عتال و کلانتراف و کلرخدا  
یاعن فظیر بیانند که چون اولای شرف الهین علی  
 حاجی ... (۲) اولای شرس الهین علی حاجی و  
اولای عبدهل علی حاجی ایراف و اولای عمال و جهات  
خوب به مستور و استی جواب گویند باید که همچنین آفریده  
علت آخر احاجات و مفاسدیات خلاف حلم از علمه  
و علوفه و تعلق از الاعنه و الام و <بیگار> و <شکار>  
و طبع و سادعی و عینی و نفوذی و ملا  
ستی و مشیلات بیها و پیشکش و کلانتری و خرج  
خوبی (۳) و سر شناور و خانه شناور و بیهوده  
و خانه نزول و سایر قناییں مشروحة الا جواب  
مزاحمه و مستعرض ایشان غشنه و تعریض نرمائمه  
و عایت و احباب و ائمه و حاضران ایشان  
نزول نهایت درین با بقصیر نهایت و آخر  
شکایت محترز ما شناور قدیمن لازمه ائمه  
و چون توقيع وضع اشرف علی و عین اعتمادی  
نهایت. تحریر آخر فرقہ شهر صرف ختم بالخیر والظفر منه  
ثلاث و تسعین

### فرماغت سوم

<المعلم لله>

ابوالنادر محمد بنهاجر [سوزون] پیر  
حکام و حاکم و فحافت و عتال و متصدی یاعن

أمور عبودي واعمال سلطانى وملائكة خدا  
يا ن ولادیات فظیل بالتراث والتراحم والتغافل  
صادرها الله تعالى عن المعاشر والآلات بحسبه كله  
وحيث ارتكات حجته مسامات بنابر وغور واره  
كمال افتقاء حروشانه وفتح عالميها بسيارات  
باب غفایت ۲ با بحقیقت قیام طلاقت  
مناب ولامیت پناه هدایت درستگاه اورستان  
انتباه مولا نام و موصی مساله الاسلام اعتماد  
الله ذات و اکثر رافت في الايام مرشد طریف  
الذنام هایی الملاحدة إلى طرق الحسن ولامهم  
ساخت اخی زیارت الحجه و زمانی على اهل الفرق  
وفرق اذ عالی نایرة الايام و انتیا لیه  
الابراهی شیخ الله و السیاریة والده آله و الاقاضیة  
و الله بن محمد بن عاصی ۲ مشیع الله تعالیی ظلول هنر  
و سیاره شیخ هشت هزار زین بن ابریزی فقیر  
از نال و بحوات فرمیز هنر و حیده من اعمال بزر  
دری فطری بزیر سیور و غال و افتخار سرمهی آنی همی  
جناب دامتہ شفقت فرمیز و ارزی اخی حاشیہ  
پیا یک که حصه الله فخر و مقری آشنه این عارفه  
زاده باره عالمیها شاید آنیه افتخار مخلص بزر و ام  
و احافیت مورده عبارا کلام نموده از شاید تغییر و  
تبیین صور و محواله منشانی و مهندس الهد

خنافس فرما عن مجده في خطيبه كلام تراوين وكلام خطه الباقي  
در عالمي او من اوراقه قرئي مذكوره آنکه همه ساله  
بلع مذکور از فقره باش و جهات محال من بجزءه في  
قصص و کسوه عوکله ، عاليجنا — مؤمن اليه ببر شنه  
دیگر نات مامل و میباشد و کلام تر موقوف مذکوره  
و محبی و محسوب داشت . من سعی خواطله  
”فَقَدْ يَا ، بَعْضَهُ مِنْ أَنْهُ وَأَغْرِيَهُ حَقْنَمْ وَبَنِي  
الْأَنْصَارِ ، عَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْأَنْسَارِ أَعْبَدُهُنَّ  
اخرجوا نت برجین جمله مقرر داشته و اغرض موعده  
تختلف خوارونه و پیروی بتوقع و قیمع و ضع اشرف  
اعلی موقشع و هو وضع و مرتبت و تحمل تحریر اعتمادی  
هنا یعنی . لتب بالامر الا شرف الا علی اعلاء الله  
تعالی و خلقه فقام به ولا غریب اقطاعاً شیعاً نیایی  
عشرين من شهر دیسمبر الاول فاختت میامن  
برحاته سنه هشت و تسعه

### ملاحظات :

- ١ - در فرقه زاده ایلخان طرفدار زیر صدر همراه بازدشت  
(رجوع شنبه ، مذکور شد)
- ٢ - " ، " ، " ، " طرفدار زیر صدر بیکر زاده زندش  
(رجوع شنبه ، مذکور شد)
- ٣ - " ، " ، " ، " طرفدار زیر صدر بیکر زاده زندش  
(رجوع شنبه ، مذکور شد)

٤ - در فران دهل سلطان خادم خیره، ای پیغمبر مسیح

٥ - سه کارهای بزرگ آن خود  
لطفاً کردن، عذرخواهی و غصه خود را

٦ - سه کارهای تصریحی دارد (اول)  
بیشتر بزیست و اول مفہوم  
الغیر را و آن دلایل مخصوص زندگی  
نمایه. سه کارهای دیگر را  
غیر مفہومی نیز.

٧ - در فران دهل سلطان خادم خیره به متوجه شد  
که اسلام و آلام زندگی  
و عرضه و عرضی،

٨ - سه کارهای مخصوص به متوجه شد  
با التواع، بالتواع،

٩ - سه کارهای مخصوص به متوجه شد  
والله عین، فاعلی،

١٠ - سه کارهای مخصوص به متوجه شد  
مال و جعل، مال تو جعل،

١١ - سه کارهای مخصوص به متوجه شد  
بهملا اسلام، بالاملا اسلام،

١٢ - سه کارهای مخصوص به متوجه شد  
شایعه، شایعه،

١٣ - سه کارهای مخصوص به متوجه شد  
تفاهه، تفاهه،

١٤ - سه کارهای مخصوص به متوجه شد  
صفة بعثات و در برداشت بعثات و فعل

١٥ - (رجوع ۱۴) سه کارهای مخصوص به متوجه شد  
خادم خیره بینها بینها نزدیک

١٦ - سه کارهای مخصوص به متوجه شد  
خادم خیره بینها بینها نزدیک

١٧ - سه کارهای مخصوص به متوجه شد  
بجبر و تغیر زندگی هاست. تفاوت

دعا من بـ آب - كله نزهة نـة . يعـير :

الفـ - مـلـوـرـ اـدـلـ رـمـلـمـ بـرـسـ وـدـنـهـ

- درـفـنـنـ اـدـلـ لـ مـلـمـ مـلـلـ لـ اـدـلـ لـ

جـ - مـلـمـ عـالـيـ مـلـمـ لـ

حـ - دـرـمـ " دـرـمـ " دـرـمـ فـقـهـ مـلـصـيـ

(مـلـمـ عـالـيـ مـلـلـ بـرـدـ ) (خـرـنـاـتـ )

ـ مـلـمـ عـالـيـ مـلـمـ لـ

ـ دـرـمـ " دـرـمـ " دـرـمـ عـالـيـ مـلـمـ

ـ ١٩ـ دـرـمـ نـرـمـ مـلـلـ اـدـلـ دـرـمـ عـبـرـتـ ( عـلـمـ الـقـاتـمـ بـالـرـ)

ـ زـكـرـ دـنـنـ اـدـلـ دـرـمـ نـرـمـ نـزـهـةـ . دـكـرـ دـنـنـ مـلـلـ دـرـمـ دـرـمـ

ـ سـ = دـرـخـنـ بـرـدـ . مـلـلـ نـيـلـ خـفـفـ مـلـلـ مـلـمـ بـيـرـ مـلـهـ ( مـلـلـ )

ـ لـ هـنـهـ دـرـخـنـ بـجـعـ آـنـ عـبـرـتـ ( عـلـمـ الـقـاتـمـ بـالـرـ )

ـ صـلـصـلـ

ـ ٢ـ دـرـمـ دـرـمـ دـرـمـ دـرـمـ عـبـرـتـ ( عـلـمـ الـقـاتـمـ بـالـرـ ) دـرـجـهـ دـلـيـلـ

ـ تـنـدـيـهـ مـنـزـهـ ؟ دـلـيـلـ دـرـمـ دـرـمـ دـرـمـ دـلـيـلـ . دـنـمـ

ـ عـبـرـتـ اـنـذـرـهـ مـنـزـهـ مـنـزـهـ دـلـيـلـ دـلـيـلـ اـنـزـهـ دـرـيـزـ

ـ دـلـيـلـ دـنـرـيـلـ آـنـ ( دـلـيـلـ مـنـنـنـ دـلـيـلـ دـنـرـيـلـ دـلـيـلـ دـلـيـلـ )

ـ دـلـيـلـ بـعـبـرـتـ مـلـمـ لـ لـلـهـ مـلـمـ لـ دـلـيـلـ

ـ دـلـيـلـ دـلـيـلـ

ـ مـلـمـ الـقـاتـمـ دـلـيـلـ دـلـيـلـ

ـ آـنـ دـلـيـلـ دـلـيـلـ دـلـيـلـ دـلـيـلـ

٢٠١٣ فبراير فرمان رقم ٤٦٧٩ مرسوم (الجمعية  
العامة لـ ٢٠١٣) بموجب قانون رقم ٤٦٧٩  
صادر في ٢٠١٣

### المواافق ٢٠١٣

بـ مواد قرار رقم ٤٦٧٩ وتعديلاته لبيان عمل آن  
قرار من مجلس إدارة طرف ثالث فـ ٢٠١٣ في دفع  
أمواله بمقدار صافى ربحه.

برفقـ ٢٠١٣: قبل توقيع بمحضها على هذا المتن  
وتم مطافـ ٢٠١٣ بمقتضـ ٢٠١٣ من حسن

٢٠١٣: طفـ ٢٠١٣ بمقدار

٢٠١٣ بمقدار

٢٠١٣ بمقدار

٢٠١٣ بمقدار

### ظهور عرضي في ٢٠١٣

١ - موافـ ٢٠١٣ بمقدار

٢ - ظهر فـ ٢٠١٣ بمقدار

٣ - موافـ ٢٠١٣ بمقدار

الواقع بالملـ ٢٠١٣

### المحاقـ ٢٠١٣

٤ - موافـ ٢٠١٣ بمقدار

٥ - موافـ ٢٠١٣ بمقدار

نـوـعـهـ كـاـدـنـمـ فـطـ بـعـتـ تـفـ . اـرـدـنـهـ بـتـ بـلـونـزـ

خـرـنـهـ دـرـسـخـ خـرـ :

١ - اـرـدـنـهـ بـنـ حـيـ كـرـكـمـ نـزـ

جـونـ سـلـانـ صـحـبـ فـتـمـ نـزـ

٢ - اـرـدـنـهـ لـفـ رـتـمـ خـنـ زـنـعـ كـامـ يـانـ

نـبـانـ خـنـهـ خـرـهـ دـرـهـ دـرـهـ اـيـامـ يـافـ

٣ - اـلـتـوـقـلـ عـلـىـ اـللـهـ اـلـقـدـيرـ

صـورـ رـتـمـ سـلـانـ عـبـادـهـ مـ

٤ - اـلـتـوـقـلـ عـلـىـ اـللـهـ اـلـلـاتـ

نـاـمـ بـرـجـ بـرـجـ بـرـجـ بـرـجـ بـرـجـ عـنـ

٥ - غـضـرـ فـغـرـتـ بـرـجـ بـرـجـ بـرـجـ

دـهـرـ دـهـرـ دـهـرـ دـهـرـ

اـلـفـقـرـ

٦ - قـوـكـلـتـ عـلـىـ اـللـهـ

سـبـهـ اـلـلـهـ بـحـوـبـ بـحـوـبـ سـلـوـدـ

٧ - عـبـدـ زـنـهـ

٨ - جـونـ وـودـ ( جـادـاـ ) دـرـفـهـ مـهـ دـرـاـفـ خـوـسـهـ

اـمـنـهـ بـنـ دـنـفـ دـرـهـ دـرـهـ دـنـفـ دـنـفـ دـنـفـ دـنـفـ

سـوـدـ بـرـجـ قـطـعـ سـيـهـ دـرـهـ دـرـهـ دـرـهـ دـرـهـ دـرـهـ

دـرـهـ دـرـهـ دـرـهـ

طـلـ دـرـهـ دـرـهـ دـرـهـ دـرـهـ دـرـهـ دـرـهـ دـرـهـ دـرـهـ دـرـهـ

٢٣٧ نعم، ي Serum فرمان سوم، اعتماده ي كرد. كم هي (الجمع) من  
 Serum فرمان سوم، ي Serum فرمان سوم، اعتماده ي كرد؟ كم هي  
 ضبط ١٠٥.٥ و ١١٥.٥

### ٢- معاشر فر ٢- معاشر

سرادندر ١٠٣، رابطه زیر نهاده لطفت سهل آن  
 ترین فرماده، لطفت که نهاده جب فرمان سینه دند و سمع  
 هنار در سکون بجهت درج تکرد.

درنه، نهادل: قل تو خل بجهت ای خداوند

و متم مسلطاتی من مقدر من حسن

١٠٤: طغ، سرمه رهان

فخر نهاده فرماده اعاده

١٠٥: المنه، لله الدهش اذ هب هنا الخزع

نهاده بن عيسى بن حسن

### ظهور خوبی فر ٢- معاشر

١- عزیزت نهاده، همچوئی نهادن سرمه نادر.

٢- خود فرمان سرم دیگر هر داشته هم کوادن سرمه نعلی بیان

آن اتراندسته بایع زیر خواهد. دستخواه نه:

الملاقي بالله العبدی شمس الدین ابو

### ٣- مسحات مهنا غ

٣- لرزیده بزدوس و بزدوزه نهادل الرصق

٤- سوار زیر بالله زرسته بایع

نـمـعـهـ كـاـدـنـمـعـهـ بـعـدـهـ . اـرـدـنـهـ بـتـ بـرـجـ زـبـ

خـرـنـهـ دـوـسـخـ نـهـ :

١ - اـرـدـلـزـهـ بـنـ حـلـكـمـ لـرـ

حـنـ مـلـانـهـ صـحـبـ خـلـمـ لـرـ

٢ - اـرـسـلـانـهـ لـفـ دـمـ خـلـنـ بـزـعـلـ كـمـ يـافـ

نـبـانـهـ خـلـنـهـ بـزـعـلـهـ دـهـ اـيـامـ يـافـ

٣ - اـلـتـوـقـلـ عـلـىـ اـلـلـهـ اـلـقـدـيرـ

صـلـحـ رـمـ لـكـنـ بـعـدـاـمـ

٤ - اـلـتـوـقـلـ عـلـىـ اـلـلـهـ اـلـلـيـاـتـ

نـاسـ بـزـعـلـهـ بـزـعـلـهـ بـزـعـلـهـ

٥ - خـلـعـ قـلـبـهـ بـزـعـلـهـ بـزـعـلـهـ

دـهـ بـزـعـلـهـ بـزـعـلـهـ بـزـعـلـهـ

لـفـقـرـهـ

٦ - قـوـلـتـ عـلـىـ اـلـلـهـ

سـبـ اـلـلـهـ بـكـوـبـ بـزـعـلـهـ

٧ - سـبـ اـلـلـهـ بـزـعـلـهـ

دـهـ جـوـزوـودـ ( مـدـاـمـ دـرـفـهـ تـهـ دـرـاـدـهـ جـوـزوـودـ )

اـمـنـهـ بـانـ دـنـفـرـ دـرـهـ دـهـ بـزـعـلـهـ بـزـعـلـهـ دـرـهـ دـرـهـ

سـوـفـ بـزـعـلـهـ قـلـعـهـ سـيـهـ دـهـ سـوـهـ دـهـ دـهـ دـهـ

لـهـ بـزـعـلـهـ

طـلـلـ دـرـهـ بـزـعـلـهـ دـهـ دـهـ بـزـعـلـهـ طـلـلـ دـرـهـ بـزـعـلـهـ

بیهوده زیست است :

در زیستگی آن بیرون از دم سرمه >

در زیستگی آن حضن > دم <

در حضن آن بجز > دم <

در بجز آن حضن > دم <

در حضن آن بجز > دم <

در دست دیگر (آنکه در زیر بر زرده بر زرده) در آن جو نیام

جیوه رو را در زیر بخواهد درین بحث این بحث حضن - در حضن آن که همان فرد دیگر

دخل آن لذت پذیری یا باعث برخیزد

در زیستگی آن بحث > دم سرمه <

در زیستگی آن بحث > دم <

در زیستگی آن بحث > دم <

در دست دیگر زنگ در حضن دیگر را می خواهد همچوں آن لذت پذیری

بلطف حضن - بجز - غلبه بر زیستگی

در زیستگی آن بحث > دم سرمه <

در زیستگی آن فرزند > دم < (۱)

و همچوینی داده در زیر فرق اینکه حضن اداره بجز ایجاد دارد.

۱- مانند اینکه در زیر سرمه فرزند حضن ایجاد ایجاد می شود

کل ۱۳۲۹ هجری شمسی از طرف مادر و حضن ایجاد شده از تکریر ویوان نشسته

افتد و همچوینی ایجاد بجز در مراسم ایجاد ایجاد ترتیب اتفاقید

و متفق شروع محتفظ و در باره ایجاد بجز در آن همچوینی است.

مجرد بجز و جزو دلخواه های بقیه دیگر هستند زیرا  
هم چند دوستی کار و امور شناختی باید چنین امر  
کی میگیرد و این نتیجه است.

لایه ای از این مجموعه از قرآن دو بجز است .  
در اینجا نه تن باز زدن عربی . صفت اولی این سعی  
نمایش داده شده است . من انتقامی بجز و جزو غلطان  
( در فرهنگ سوم اینجا آیه فضیح چشم و دمیه فرد نهاد  
بجز و جزو غلطان بجهة اینه ) .

پس از این نتیجه باز برای مدارس مخصوصاً در همان سنین

آخر قو کوستن من مذنبان فتح نمایند اینه ای میکرد .

با این پیشنهاد نوشته ای اینه ای میکرد :  
« مذنبان فتح نمایند ذوق اختری را زدن مذنبان لایه ای از نظرست ،  
ذنبان فتح نمایند و طلاق مذنبان مذنبان هم خوبی داشتند و مذنبان فتح نمایند و مذنبان فتح نمایند  
جیغی سنجاق داشتند و مذنبان فتح نمایند و مذنبان فتح نمایند و مذنبان فتح نمایند و مذنبان فتح نمایند  
که اینه ای میکرد . »

در قرن پانزدهم اینه ای از خزانه های تعلیمی بود

- جمعیت -

- جمعیت - جمعیت - مذنبان فتح نمایند و مذنبان فتح نمایند  
( مذنبان فتح نمایند ، مذنبان فتح نمایند و غیره . آن نیز آخرین جملات  
میگردید . ۱۹۴ صفحه ۱۵ )

در سرمهه آذربایجان بجهت بهادران (سده دهم تا هجدهم)  
شیوه نسبتی پیدا نمود. رائق ایرانی نمایندگان از خود نظر در خطاب  
فرعی از مجدد افسوس نمودند و این اتفاق را تاریخ داده اند. این میتواند  
اسناد را در میان این فوج دوام نموده نخواهد نزدیکترین این اسناد خوب  
(اصفهان) باشد.

درینام این مخفف از مذکور میگذرد که در میانه مدفع  
شیوه نسبتی از این مخفف حفظ شده است که در آن از این اسناد در  
آن باید بـ<sup>۱</sup> اشاره کرد این اسناد در این میانه نزدیکترین اسناد  
مذکور میگذرد که در این مخفف از این اسناد در این میانه نزدیکترین  
میگذرد که در این مخفف از این اسناد در این میانه نزدیکترین  
میگذرد که در این مخفف از این اسناد در این میانه نزدیکترین

ـ چند افسوس از هر چند مذکور در پیروزی داده شده اند

که عرب میگذرد

ـ رجوع علی ایشان

ـ این اسناد از معرفه در روزنامه (صفحه ۱۰۲، ۱۰۳) از تاریخ پیش  
نهاده (تاریخ ۹۲) اسناد در در این میانه نزدیکترین اسناد میگذرد  
از خود نمایندگان از خود نمایندگان از خود نمایندگان از خود نمایندگان

در ترکیب اندیشه دینه کوئی نمی‌نمایم، بعد از آن نسبت با همان  
نحوی در بین اندیشه دینی خود را درست می‌کند.

در ترکیب اندیشه دینی خود را در ترکیب اندیشه دینی خود می‌کند.

الف - درینجی مفهوم داد و پذیرش می‌کند، مفهوم دینی صیغه است:

خواه برای دینی، زینب دانسته است.

ب - در ترکیب اندیشه دینی خود را در ترکیب اندیشه دینی می‌کند.

س - در ترکیب اندیشه دینی خود را در ترکیب اندیشه دینی می‌کند، مفهوم دینی خود را در ترکیب اندیشه دینی می‌داند.

ج - در ترکیب اندیشه دینی خود را در ترکیب اندیشه دینی می‌داند.

د - در ترکیب اندیشه دینی خود را در ترکیب اندیشه دینی می‌داند.

ه - در ترکیب اندیشه دینی خود را در ترکیب اندیشه دینی می‌داند.

و - در ترکیب اندیشه دینی خود را در ترکیب اندیشه دینی می‌داند.

فرع اول، فرضیه فران سرم بایم سیاست امنیتی کشور  
بین سیاست امنیتی کشور و امنیت اداره امنیت سرمه را در مورد امنیت (کلی)  
سرمه بآن فرضیه فران فرموده بخط کاره است. با اینکه سرم  
خواهد شد.

فرع دوم، فرضیه فران سرم بایم سیاست امنیتی کشور  
بین سیاست امنیتی کشور و امنیت اداره امنیت سرمه را در مورد امنیت (کلی)  
سرمه شد. این فرضیه فران فرموده بخط کاره است. با اینکه سرم  
خواهد شد.

وَمَنْ يَرْكُنْ إِلَيْنَا فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُسْتَقْدِمُونَ .  
وَمَنْ يَرْكُنْ إِلَيْنَا فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُسْتَقْدِمُونَ .

وَمَنْ يَرْكُنْ إِلَيْنَا فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُسْتَقْدِمُونَ .

وَمَنْ يَرْكُنْ إِلَيْنَا فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُسْتَقْدِمُونَ .

سخن. درین تدویر از زندگی پرسته (بر) می‌شود. خنده دار و روان، ریبود و دچار حمله از داد و داشت. از کوئن عالمه بخوبی تقدیم شد. سپس با پسر خود و دوست را نهاد. از دن ندت.

بر خود و دوست خود را می‌داند. این دوست داد و داشت. (در) دن نرخ نهاد. دن خود را می‌داند. این فرخ بادر داد و داشت. دلخواه خود را می‌داند. این فرخ بادر داد و داشت. هر دوست پسر خود را نهاد.

درین تدویر از زندگی پرسته (بر) می‌شود. خنده دار و روان، ریبود و دچار حمله از داد و داشت. این فرخ بادر داد و داشت. دلخواه خود را می‌داند. این فرخ بادر داد و داشت. هر دوست پسر خود را نهاد. این فرخ بادر داد و داشت. هر دوست پسر خود را نهاد. این فرخ بادر داد و داشت. هر دوست پسر خود را نهاد. این فرخ بادر داد و داشت. هر دوست پسر خود را نهاد.

درین تدویر از زندگی پرسته (بر) می‌شود. خنده دار و روان، ریبود و دچار حمله از داد و داشت. هر دوست پسر خود را نهاد. این فرخ بادر داد و داشت. هر دوست پسر خود را نهاد.

این کسر این کسر باقی از این کسر می‌شود

سیزهم روان لاینیر (موزه هنری) تهران، ناشر  
گذشته بود. مجموعه این سیزهم روان لاینیر (موزه هنری) تهران  
که الحضر نیز نام داشت، در آن موزه از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۴ میلادی  
در روز افتتاحیه لاینیر تهران، ناشر موزه هنری تهران  
تبریز، ازدواجی سرفراز هاشمی سیزهم روان  
اداره اتفاقی که از دنیا خفی (جیل نیز طبقه ها) آنرا  
نمایشگاهی داشت) در قائمی معرف کردند.

دستور سیزهم روان لاینیر از خود رسانید: «لاینیر (موزه هنری)  
با زمانهای از دنیا پیشتر نداشت. با سیزهم روان لاینیر میتوان  
نهاد. سیزهم روان لاینیر این محیط اداره اتفاقی است  
که این سیزهم روان لاینیر بجهاتی نهاد (موزه هنری)  
و نهاد (موزه هنری) نهاد (موزه هنری).

سیزهم روان لاینیر نهاد روان زیارتی بمناسبت  
خواهد بود (سیزهم روان لاینیر زیارتی). هنچنانی  
که در اینجا نهاد.

(لاینیر و لاینیر نهاد روان زیارتی بمناسبت  
نهاد فرقه نهاد نهاد = تحریر به علی و داده  
باید باید باید.

نهاد فرقه نهاد سیزهم روان لاینیر نهاد (موزه هنری)  
نهاد (موزه هنری) نهاد فرقه نهاد = تحریر به علی و داده  
نهاد = علی همچنانی (موزه هنری) نهاد (موزه هنری)  
نهاد همانا باید باید.

لأنه ينبع من مفهوم "النقد" الذي يقتضي تقييم وتقدير الأشياء  
وهو في المقام الأول انتقاد لشيء ما، وهو في المقام الثاني  
انتقاد لشيء ما من حيث قيمته الفنية والفنية، وهو في المقام الثالث  
انتقاد لشيء ما من حيث قيمته الفنية والفنية.

ويجب أن يكون النقد مبنياً على معايير محددة، وأن يكون النقد  
مبنيناً على معايير محددة.

ويجب أن يكون النقد مبنياً على معايير محددة.

- نقد المسرح المسرحي هو نقد المسرح المسرحي.

ويجب أن يكون النقد المسرحي مبنياً على معايير محددة.

ويجب أن يكون النقد المسرحي مبنياً على معايير محددة.

٢ - مهندسون  
ألف - فرانك ميلر

٣ - هو الله سبحانه وتعالى

٤ - بسم الله الرحمن الرحيم

٥ - ياصاحب يا على

٦ - أ الحكم لله

٧ - أبو المظفر طهناصب بهاء الدين سوزو مير

٨ - حكم دين ووفد حفاف ونتصريافت  
أبروي جواني وعمالي وأساطنة أصنفها عن  
بابي لكتاب

٩ - جوون ميور غالات وستيات دارو  
الساطنة ننوكو وخصوصاً ميور غالات و  
ستيات

١٠ - سيات وففات نناه أناضت و  
حصاقن وستغا نهاده العلما في نقيب القبافي  
من الشرعية والحقيقة والدين محمد أبو حب  
فراين إطاعة شرفة هنا يعون آخر شوشنجية  
آخر آيات حللى موضوع

١١ - وستش لكت وآلام الحك

١٢ - آخر آيات حكم برايماب ميور غالات  
واقع ماشي حضورنا في بي ستوفيافن كلام  
ديجاف على دب المفضل حوله برايماب

# وآخر ايجات خلاف حلم

١ - در مصالک سهیونی فرمودی . این بنا برین

اصدیقی بنا رویک من با وعده آخر ايجات  
محسی وغیره حتی خصوصاً علیه و معرفه و تعلقاً والاعن  
در آلام دیگار و طبع درست آنها در پیشگش خواه

آنها

٢ - در وسائل او راه فریاد و عیادی و  
فرورزی وسلام کو رسانید و عذرخواهی و علائمی  
و شیوه بنا بر میور غلات مذکوره و موافعه و  
مالی که داخل میور غال باشد حوالی نباشد و پیرا  
رسونتگردیده نه

٣ - وعلم و قدم کوتاه و کشیده و استه و مدخل  
توجهات و تخصیمات استصرحی نمایند  
وی آنکه تیزی آفرینی و اعلیٰ تعبیع شکوه بختیار  
خرابیهاست و بازی دیده مدخل و میور غلات  
و الحال نهاده باشند نمایند

٤ - وروایت و راقبت او اجنب و افغانه او زن  
شکایت که موجب خطاب عرض است محترم  
باشند ایامیت بنا هی حکومت فرستگاهی عده  
الا اموری جلال الدین موجه سلطان فواید و  
شنهیاری اکابر بلطفی خنیا، يومها  
فوجله ایامیت بنا هی مشاورالله حرب المطر

تقربوا انتهت مختلف مساراته وارجوا بحسب بحرين

حياته وفته هدفه الافتراضي وسروراً نجهه بجهة -

طلبته حارمه حارمه وآخر بعده فلت حيزى

كفرته باشته باشته باشته كفرته تمسير في

١٤ - عاش شهر شهر وحبيب المربي سنه معاشر

وثلثين وقعماء

١ - فرماف شاه طهماسب

٢ - يامحمد يا على

( سرور )

٣ - فرماف همایون شرف ففاخر بافت

آنله بوجیع که در تاویع در در خیابانی الاولی

سنه ٩٣٠ حکم همایون ناصحاً عوشه . مولانا

بلعنت نامه موشع بخط اشرف

آخر جمله هال

٤ - امر المطنه اصنیاف اخر محل چند که حیر خست

آفت فرماف قضاجر یافت تفصیل یافته برعالي

و تدبیت قاهر سی هزار

٥ - مستخدم الاعمال بالارث والارث

سلطان القبايل والعلماء على الاعلام من الا

٦ - مبنی بیان نوشتہ شهابی و مخدوم نہ

وَالْمُتَّبِعُ مُحَمَّدًا لِمَنْ هُوَ أَفْسَدَهُ بِالْمُؤْمِنِينَ  
وَضُوعُ وَمُشَقَّةُ شَنَادِيدَ

٦ - دُوَيْسَاتِي وَسُورَةِ قَدْرٍ وَأَفْسَدَهُ مَحَالٌ مُزْبُوْزٌ  
وَأَفْسَدَهُ بِشَنَادِيدَ مَالَاتِ وَضُوعُ عَنْمَانِيَّةُ وَمُطَلَّقَاتِيَّةُ  
وَجَدَهُنَّ الْوَجْهُ وَبِرَّأَتِي مَحَالٌ حَوْالَتِي نَنْيَانِيَّةُ وَسَأَ  
وَسَعَ وَكَنْدَلَةُ

٧ - دُسَادِ دُوَيْسَاتِي مَنْزُولٌ مَحَالٌ وَدَرْدَكَ وَنِيمَ  
سَيْيَرَ غَالِ وَدَرْدَكَ وَعَلَيْتِي وَشَيْلَاعِي بِهَا وَجَرَكَ  
وَرَسَى شَنَادِيدَ وَبَيْقَاءُ وَرَوْسَهُ الْمَهْرُ وَرَوْسَهُ الْمَوْزَأَرُ  
وَرَوْسَهُ الْمَاهَرُ - وَحَوْالَتِي عَمَالٌ وَسَوْرَهُ الْمَوْغَنَى  
٨ - دَكَلَانَتِرَى وَبَيْرَاعِي وَعَيْنَهُى وَهُنْوَرَوْزِي  
وَسَلَمَانَهُ وَخَرَسَتَهُى وَغَيْرَهُ فِي الْأَنَّاءِ آتَيْهُ مَعْرُوفٌ  
شَهَدَهُ وَآتَيْهُ عَيْنَهُ أَغْزِيَنَ سَانِخُ شَوْرَهُ طَبَبَ نَهَارَ  
وَأَفْأَفَ تَارِيْخُ الْمَغَاهِيَّةِ الْأَوْجَيْنِيَّةِ

٩ - بَيْبَرَ أَسْوَرَهُنَّ كَوَرَهُ وَكَرَنَهُ بَاشَنَهُ بَاخَرَ  
كَرَعَهُنَهُ وَعَلَتَهُنَهُ أَنَّاهُ تَفَصِيلُ سَادِعِيَّةِ وَكَنْدَلَهُ  
وَغَيْرَهُ كَهُهُ وَضُونَتَشَانَهُ سَرْقَوْرَهُ نَكَشَتَهُ مَوْقَفَ  
نَهَهُ وَنَهَهُ وَمَحَالٌ نَهَهُ كَوَرَهُ وَآتَيْهُ بَرَزَ

١٠ - دُسَادِتَتِ دَرِفَنَاهُ وَرَنَاهُ وَعَلَتَهُ عَوَامِلُ  
وَهَيْبَهُ وَكَاهُ وَسَغَ وَحَرَ وَأَزْكَوْشُ وَطَبَعُ وَغَاهُ  
أَبْتَيَا عِيَّهُ وَغَيْرَهُ تَعَرَّضَ نَرِسَانَهُ وَعَوْرَأَبَ  
أَنَّهُ أَفَاقَتَتَهُنَهُ مَهَاهُ ، آتَمَالَ قَشْوَنَهُ وَ

## و مخلاف

- ١٠ - ومنها عاصف مشاعر الذهن وأعني حصصه أعلاها  
و هي عنيق جزء و يخرج القلم و تखافط مشاعر الذهن و  
أثر حكمي صادع في شعورك أنه منك كاف عن دفع آخر  
حيات ١٢ مستصوبي
- ١١ - هي مت على دائرة آمنة محال و ١٣ حصة  
أو باب درع عتيق مستنقى دائرة و تبعيض عالي  
له ما حصل هنا يعني مستنقى دائرة كوكب الملا والأوارج  
و انتقامه و العروبة سقطت فربورهم و آخر همزة  
أخلاق ١٤
- ١٥ - طلب برأفت توافق نموذج معاف موفره  
أيم و زاكورة أفتته ياناه أفتته أحدهم بخلاف  
~~سيطروا على ناهيه بجهوده في اعروفة و مخلافه~~  
و مصالح آخراكه أو حيزه كرحته باشته ستانية.  
يا فگری ١٦ آمنة و آمنة كسر
- ١٧ - فسرا و حزنا و خوف و مائنة كه  
محب عبرت في بكرافت باشته و آثار أحبينا  
على صادع شعورك أنه أخلاق برأفه باب ميلور  
فالذات لسته مثل جيكيه و ورسه المهزوزي و ياكه  
نیم و منفصل و عدو بيرأس أعلى
- ١٨ - صغير بگری مستوفيا فكرام جمیع  
سيور غالات ١٩ لام ملطف مؤمن اليه خارفون

مختصر نبذة في دروس جغرافياً مختارة من كتاب جغرافيا  
مطابع وزارة التربية الى المعلم العربي ومساعدته  
شناخته وسماحته وقصوره وتحصيله فتقديراتي

١- ملخص مطرد وجاف وسريري وجاف اين  
دولي مافت ولا يليت شاف مشرونه وهو سالم  
ويعين بحسب بيفرز ٢ فيه جده في خطاباته وتخالف  
فخواصه في مستمر ومتذبذب ٢ ايات اعلى واعظيم  
هي شناسنة تغيرات في

## ج - فوائد شاه عباس

١- فوائد همایون شاهزاده چون حمل  
ستقه عصر کار بیانات و قابلیت پنهان و مهارت  
و خایق درسته حقيقة و معروف آنها

٢- تبع عما ذكره اصحاب ادب و السقا و الکرام  
و تضمن مقاله اسلام فخری طوایف ائمہ شا

یخواصه اینها

٣- حمل جهاف مطابع میروفقال اول  
قرآن و از مشهورینه اخراجات و استھوانی  
حکیم و غیر حکیم موضوع و

٦ - مستشفى است بنا برين مقبرة فخر عجمي  
كم عائلة او اسرة اصحابها من قبورهم  
من الموجه بعثت اخر احات وعموات اذ  
٧ - الاعنة دينيا وطروح ومرى قفتاحي وعاهه  
وهيئه وصحن وعموات وغيرها الامر ورده  
كم عوده باشته حوالتي واطلاق بير ما وموسي اليه  
٨ - دفع ما يحال متعلقة بما وتنبويه من صنع  
وستفی حدازنه وآگو بطربي شاهي سیون بعثت  
من کورمات افرادات چيز می طلب فما ینه وکله  
٩ - بیادت وفتابت بناه موسي اليه عا  
طلع ساغنه که به آنچه بیش ونقد ورباشه  
خواه افرادات خوبی سانه از همانه و به وتن هلت  
١٠ - اطلاق وحولتي برعایا ، حال متعلقة  
بیادت وفتابت بناه موسي اليه نباينه وتن  
نور سانه درین باب قدر عن حدازنه  
١١ - بجهة که عدین باب فنایت اندیجی مقبر  
من کورمه که عدین باب فنایت اندیجی مقبر  
حدازنه و عدویه و انتبه افرادات فخر مومن مختلف  
خواهون

١٢ - تصریح با عصیانی اتفاق امده

١٣ - بجهة که عدین باب فنایت اندیجی مقبر  
که در طرف ای اندیجی ای خواهونه و اندیجی  
باید ای خواهونه و اندیجی



(۱۰) دیره کشندی و میرنی خوب و صفحه نسبتی می باشد  
که بحث می شود. صفحه پاره هایی در میان کلمات ۱۹۴۱ اینجا  
نمایم (از ۲۷ مهر ۱۳۴۱ تا ۲۸ آبان ۱۳۴۱ سیده زین الدین نظم را شنیده  
و آنرا غردکشی کرده است). این میان قدرت عصر  
نهاد و میان ایام ایمان و ایشان  
میگذرد. مادر و مادری صفحه

۱۰۶۱

۱۱) نظمی که میرزا طوفان خوب است بنویسید قرآن کریمی همین  
بُ. صفحه همین متن را = صفحه ۱۱۰ در عصمه  
زیرا زیر این را در بزنست. اما ماده بی جنب فریاد نباشد  
بنویسید خوب است. سر دیگر این کلم ۱۰۶۱ (فریاد)  
نمایم (از ۲۷ مهر ۱۳۴۱ بستان تعریق اول (خون نظم) نهادند). اینجا  
میگذرد آنچه نهاده شد، صبح ذات میان داشته. عصمه  
که میگذرد این را زیرا مادری که فریاد نداشت، دیگر نیز  
فریاد نداشت (باید ۱۰۶۱-۱۰۶۲ فریاد - ۱۰۶۱-۱۰۶۲ فریاد).  
این میگذرد و میرزا طوفان داشته.

۱۲) فریاد صرف تباری دیگر نداشته است (۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳). اینجا نظم (از  
۲۷ مهر ۱۳۴۱ تا ۲۸ آبان ۱۳۴۱ سیده زین الدین) است. عصمه این طوفان نیز  
میگذرد از نظر فرم که میرزا طوفان است.

۱۳) این طوفان ایمان و ایشان است.

۱۴) این طوفان ایمان و ایشان است.

۱۵) این طوفان ایمان و ایشان است.

٤ - افتخار و معرفت عالی

٣ - دست در بین خود است . صفحه ۱۰۳

٢ - دست در بین خود است . دست در فرم

١ - دست در بین خود است . عبارت عربی

٠ - خود است . عبارت فارسی

این در تدریس آموزشی خود باشد که این سه زیر

هزینه . عبارت از زیر (۲۲) .

ترجیح نهاده باشند . همچنان که در درس زیر

۹۵ هجری قمری ( ۱۰۴۹ میلادی ) در جلد دویجه مکالمات شیخ زکریا

در ماقبل مذکور مکالمه داشته باشد .

X ۱) خود در زلاف خود است .

در فصلی از رسائل زیر ( زیر نوشته ۱۹۸۲ ) آنکه  
عنوان مذکور شده میتواند عالی است . همان‌جا " زیر "

در در مکالمه داشته باشد . در حقیقت فرم این زیر در همین طور است .

٣ - مباحثات وصلات خدمة ادى مشروع

النادي العربي تابع لجامعة مصر للفنون.

I - درجة ١. لغة صحفية لغة فنية درجة صحفية  
II . " " . لغة فنية لغة فنية درجة فنية . درجة

درجات درجات :

١ - بالقوة الاعتدال والهادف العالية

٢ - بالهادف والشفقة

٣ - المختل = المهدى والهادى والهادى

درجات درجات ٤ ميدى فال عاجي قوى درجات

٥ . باقى بقى فرعون يار بقى فرعون فوزون حسن درجات

درجات درجات ( فوزون ) ٦ درجات بالقوة الاعتدالية

الاعتدالات الاعتدالات والهادفه البابا يسوعه ( دينيس رومي )

دينيس دينيس دينيس دينيس دينيس دينيس دينيس

دينيس دينيس دينيس دينيس دينيس دينيس دينيس

دينيس دينيس دينيس دينيس دينيس دينيس دينيس

٧ درجة ٨ درجة ٩ درجة ١٠ درجة ١١ درجة ١٢ درجة ١٣ درجة

٨ . درجة ٩ درجة ١٠ درجة ١١ درجة ١٢ درجة ١٣ درجة

٩ . درجة ٩ درجة ١٠ درجة ١١ درجة ١٢ درجة ١٣ درجة

١٠ . درجة ٩ درجة ١٠ درجة ١١ درجة ١٢ درجة ١٣ درجة

١١ . كل درجات درجات درجات درجات درجات درجات درجات

١٢ . كل درجات درجات درجات درجات درجات درجات درجات

رزازان در دیماهی سپتامبر  
در صورت ۲۱ VIII  
۲۸ ، ، IX  
۲۹ ، ، X  
۳۰ ، ، XI  
۳۱ ، ، XII  
رسانی می‌شود تا اینجا بخواهد - عذرخواهی

تمام شد - ۱۹۸۵